



Analytical Examination of the Prohibition of Torture in Islamic Jurisprudence and International Instruments

Mohammad Ali Razavi*

Abstract

The present study aims to elucidate the foundations of the prohibition of torture in Islamic jurisprudence and to analyze it in comparison with relevant international legal instruments. Islamic jurisprudence, drawing upon Qur'anic texts, Prophetic tradition, and principles of *ijtihad*, prohibits torture on the basis of doctrinal rules such as the prohibition of harm (*ḥurmat al-īdhā'*), the *lā ḍarar* principle, and the inadmissibility of coerced confessions. Conversely, the international legal system—through instruments such as the Universal Declaration of Human Rights, the International Covenant on Civil and Political Rights, and the Convention against Torture—establishes a defined framework for the prohibition of torture. Employing a comparative analytical method, this article examines the structure, foundations, and obligations of both systems, assessing their points of convergence and divergence in terms of conceptual scope, implementation, and evidentiary standards. The findings indicate that each legal framework, grounded in its own normative foundations, meaningfully rejects torture. Comparative study of the two systems thus facilitates a more precise understanding of their differences and areas of overlap, without presupposing any normative hierarchy between them.

Keywords: Prohibition of Torture, Islamic Jurisprudence, International Instruments, Jurisprudential Maxims, Comparative Analysis.

*Assistant Professor, Al-Mustafa International Research Institute
Email :mrazavi998@gmail.com



بررسی تحلیلی منع شکنجه در فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی

محمد علی رضوی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

چکیده

نوشتار حاضر با هدف تبیین مبانی منع شکنجه در فقه اسلامی و تحلیل آن در مقایسه با اسناد بین‌المللی مرتبط قلمی شده است. فقه اسلامی، با اتکا بر نصوص قرآنی، سنت نبوی و اصول اجتهادی، شکنجه را بر پایه قواعدی نظیر حرمت ایداء، قاعده لا ضرر و منع اجبار بر اقرار منع نموده است. در مقابل، نظام حقوقی بین‌المللی نیز از طریق اسنادی مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه، چارچوبی مشخص برای منع شکنجه ترسیم کرده است. این مقاله با به‌کارگیری روش تحلیل تطبیقی، به بررسی ساختار، مبانی و الزامات هر دو نظام پرداخته و وجوه اشتراک و افتراق آنها را در محدوده مفهومی، قلمرو اجرا و شیوه‌های اثبات ارزیابی نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هریک از دو منظومه حقوقی، با مبانی مستقل خود، به شکل معناداری به نفی شکنجه پرداخته و مطالعه تطبیقی آنها زمینه فهم دقیق‌تر تفاوت‌ها و نقاط تقارب را فراهم می‌سازد؛ بدون آنکه اولویتی هنجاری میان آن دو فرض شود.

واژگان کلیدی: منع شکنجه، فقه اسلامی، اسناد بین‌المللی، قواعد فقهی، تحلیل تطبیقی.

*استاد یار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

ایمیل: mrazavi998@gmail.com

منع شکنجه از اصول اساسی عدالت جزایی و از قواعد ثابت در هر دو منظومه فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل جزایی معاصر است. در فقه اسلامی، این اصل بر پایه ادله متعدد شکل گرفته است؛ از آیات قرآن درباره حرمت اذیت مؤمن، احترام به نفس محترمه و تکریم انسان، تا روایات پیامبر اکرم و امام علی که شکنجه را در فرآیند محاکمه و بازجویی نفی کرده‌اند. مجموعه‌ای از قواعد اجتهادی نیز این مبنا را تقویت می‌کند؛ از جمله حرمت ایداء و تعزیر به غیر حق، قاعده لا ضرر، قاعده نفی العسر والحرج، منع اکراه در اقرار و اصل مصونیت جسم و جان. این ادله، اصل منع شکنجه را در فقه در حد یک قاعده مستقر و غیر قابل تردید تبدیل کرده و آن را نه یک توصیه اخلاقی، بلکه حکم حقوقی با پشتوانه استدلالی قرار داده است.

در تاریخ حقوق، شکنجه طی قرون متمادی در بسیاری از نظام‌های غیر اسلامی بخشی از فرآیند کشف جرم یا اعمال قدرت سیاسی بوده است؛ اما در جامعه اسلامی نخستین، منع شکنجه در سیره عملی پیشوایان دینی، نامه‌های حکومتی امام علی و رویه قضایی اولیه به صورت یک معیار رفتاری مشاهده می‌شود. (فیض کاشانی، ج ۲۲، ص ۷۰۳-۷۰۴؛ عوده، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۰۸) نمونه‌های متعدد تاریخی نشان می‌دهد که حکومت اسلامی از آغاز، شکنجه متهمان، مجرمان یا بدهکاران را رد کرده و برای متولیان قدرت محدودیت‌های روشن تعیین کرده است. این سیر تاریخی، پیشینه منع شکنجه را در قلمرو اسلامی به دوره‌ای بسیار قدیم‌تر از شکل‌گیری اسناد بین‌المللی مدرن بازمی‌گرداند. (بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ج ۲۷، ص ۴۴۰). در دوره جدید، تحول مفهوم کرامت انسانی و تأسیس حقوق بشر موجب تثبیت ممنوعیت شکنجه در قالب قواعد بین‌المللی الزام‌آور شد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه، این ممنوعیت را بدون قید و شرط و غیر قابل تعلیق معرفی کرده‌اند. کارکرد این اسناد بر تعیین مفهوم شکنجه، شمول رفتارهای معادل، الزام دولت‌ها به پیشگیری، مسئولیت‌پذیری و جبران خسارت استوار است. مسأله شکنجه پس از تحولات امنیتی دو دهه اخیر دوباره در مرکز توجه قرار گرفته است.

برخی از مرتبط‌ترین تحقیقات که توسط برجسته‌ترین اساتید حقوق بین‌الملل برشته تحریر درآمده‌اند، عبارتند از:

- بررسی ممنوعیت شکنجه در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق، ش ۱۴ (زمستان ۱۳۸۷)؛



- محمدعلی اردبیلی، «گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۱-۲۲ (زمستان ۱۳۷۶-تابستان ۱۳۷۷)؛
- ابراهیم بیگزاده، بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات برضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۱-۲۲ (زمستان ۱۳۷۶-تابستان ۱۳۷۷).
- رضا نوربها، شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، مجله کانون وکلا، دوره جدید، ش ۱۴۸-۱۴۹ (پاییز-زمستان ۱۳۶۸)؛
- حسین مهرپور، کندوکاوی در تمهیدات نظام بین‌الملل پیرامون حقوق بشر و جلوگیری از شکنجه، راهبرد، ش ۳۰ (زمستان ۱۳۸۲).

تحقیق‌های موجود درباره نسبت فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی در موضوع منع شکنجه عمدتاً توصیفی و فاقد تحلیل ساختاری دو نظام حقوقی هستند. بخش قابل توجهی از این آثار تنها قواعد فقهی را ذکر کرده یا مواد اسناد بین‌المللی را نقل کرده‌اند، بدون آنکه مبانی استنباطی فقه، پیوند قواعد فقهی با ساختار محاکمه و حدود همپوشانی یا تفاوت با اسناد بین‌المللی بررسی شود. خلاصه‌ای در ادبیات موجود، فقدان مطالعه‌ای است که مبانی فقهی را به‌طور استدلالی بازسازی کند و سپس آن را با معیارهای حقوق بین‌الملل در سطح مبانی، قلمرو اجرا و روش‌های اثبات مقایسه نماید.

این تحقیق با رویکرد تحلیلی و تطبیقی، مبانی فقهی منع شکنجه را از منابع معتبر امامیه و اهل سنت استخراج و تحلیل می‌کند و در کنار آن، چارچوب‌های مفهومی و الزامی اسناد بین‌المللی را بررسی و مقایسه می‌نماید. روش پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای متون فقهی کلاسیک و معاصر، مطالعه اسناد حقوق بین‌المللی و تطبیق ساختاری میان دو منظومه حقوقی است. پرسش اصلی تحقیق چنین است: فقه اسلامی اصل منع شکنجه را بر چه مبانی بنا می‌کند و این مبانی در مقایسه با معیارهای اسناد بین‌المللی چه گستره‌ای از هم‌پوشانی و چه حوزه‌هایی از تفاوت را نشان می‌دهد؟

الف) تبیین مفاهیم

شکنجه به معنای «رنج، آزار، عذاب و اذیت» (عمید، ۱۳۶۹: ۸۵۲) و معادل انگلیسی آن Torture است. (حییم، ۱۳۶۸: ۵۹۷) شکنجه در اصطلاح حقوقی، «از نقض‌های شدید





حقوق بشری است که در آن فرد به طور عمدی از طریق ایراد آزار به متهم و غیر متهم است تا اقرار به بزه یا تعهدی کند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۳۰۱) کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز، هر نوع اقدام عمدی که باعث درد یا رنج شدید جسمی (Physical Torture) یا روانی (Mental Torture) به فرد شود، را شکنجه می داند. (کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱) ممنوعیت شکنجه به منظور دستیابی به اهداف مهم در چهار حوزه اصلی قابل تعریف هستند: حفاظت از کرامت انسانی، جلوگیری از آزار و اذیت های جسمی و روانی، تقویت اعتماد عمومی به نظام های عدلی و قضایی و حمایت از دموکراسی حقوق بشر جهانی. (فاگان، ۱۳۹۳: ۳۱) اهمیت منع شکنجه در ابعاد مختلف، هم از جنبه حقوقی و هم اخلاقی، قابل توجه است. در جوامعی که شکنجه به عنوان ابزار مشروع پذیرفته می شود، اصولی چون حقوق انسان، عدالت و کرامت انسانی در معرض خطر قرار می گیرند. (فاگان، ۱۳۹۳: ۳۱) به همین دلیل، این ممنوعیت به عنوان اصل اخلاقی جهانی باید در تمامی جوامع تأکید و رعایت گردد.

ب) انواع شکنجه

۱. شکنجه ی جسمی: منظور از شکنجه ی جسمی؛ عبارت از هر عملی است که به جسم و بدن فرد آسیب برساند. این نوع شکنجه مفهوم بسیار وسیع دارد که بعضاً از جوامع سنتی گذشته و محدود مانند قبیله آغاز شده و به مراتب در جوامع امروزی هم به نحوی وجود دارد. مانند نگاه داشتن فرد در حالت گرسنگی و تشنگی تا محروم نمودن وی از صحت، درمان، تزریق مواد افیونی، بی خوابی و سایر مواردی که مستقیم به جسم شخص در ارتباط باشد.

ب) شکنجه ی روانی (روحي): شکنجه ی روانی که اصطلاحاً شکنجه ی روحی نیز نامیده می شود برخلاف شکنجه ی جسمی به تمامیت جسمی انسان آسیبی نمی رساند؛ بلکه در مواردی که شکنجه ی جسمی به نتیجه نرسیده یا به نحوی اعمال آن به صلاح نباشد، به کار می رود. در این نوع شکنجه، اهداف مورد نظر از طریق آسیب به تمامیت روحی و روانی فرد، تحقق می یابد و فرد را مجبور می کند که موارد مورد نظر طرف مقابل را مهیا نماید. فشار روانی ممکن است مستقیماً خود فرد را تحت شعاع قرار داده یا به صورت غیرمستقیم، بستگان نزدیک مانند والدین، خواهر و برادر، همسر و فرزندان شخص را به رفتاری که سبب اقرار مشخص مورد شکنجه شود را تحت فشار قرار دهند. مانند اینکه شخص را تهدید به دستگیری یا محرومیت خاص یا بردن آبرو و حیثیت یکی از والدین، همسر و بستگان نزدیک بنمایند و

بدین سبب روان شخص را به صورت غیرمستقیم تحت فشار قرارداده و به اهداف خود برسند. (حیدری پوری، میر عباسی، عسگرخانی، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

ج) منع شکنجه در فقه اسلامی

فقه اسلامی، با اتکا به منابع مهم دینی از جمله قرآن کریم، سنت نبوی و اصول اجتهادی، شکنجه را مطلقاً ممنوع کرده است. این ممنوعیت فقط حکم اخلاقی نیست، بلکه قاعده بنیادین فقهی است که کرامت انسانی، حق فرد و عدالت را محور قرار می‌دهد.

۱. مبانی قرآنی منع شکنجه

قرآن مجید، ضمن تأکید بر عدالت و منع ظلم، به کرامت انسانی توجه ویژه دارد و اصول کلی قرآن در رفتار انسانی، جلوگیری از آسیب‌رساندن و رعایت حق دیگران، پایه‌های قانونی و اخلاقی منع شکنجه را فراهم می‌آورد. در قرآن کریم و روایات اسلامی، موضوع شکنجه به طور غیرمستقیم و مستقیم در موارد مختلفی مطرح شده است. قرآن به طور کلی بر حرمت آزار و اذیت انسان‌ها تأکید دارد و در بسیاری از آیات به عدم ظلم و قساوت ورزی نسبت به دیگران اشاره شده است: «إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ.» (بروج/۱۰) کسانی که مردان و زنان باایمان را شکنجه دادند و توبه نکردند، عذاب جهنم و آتش سوزان در انتظار آن‌هاست. از مهم‌ترین آیات قرآن در این زمینه، آیه ۱۹۱ سوره بقره است که می‌فرماید: «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ.» (بقره/۱۹۱) یعنی فتنه و آزار شدیدتر از قتل است. «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ.» (بقره/۲۱۷) فتنه و آزار بزرگ‌تر از قتل است این آیات به طور غیرمستقیم نشان‌دهنده حرمت آزار و شکنجه در دین اسلام است، زیرا فتنه و آزار به نوعی از ظلم و شکنجه تعبیر می‌شود (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۸) خداوند متعال رهایی از شکنجه را یکی از نعمت‌های نازل شده بر بنی اسرائیل می‌داند: «وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكَ ثُمَّ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكَ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌٌ مِّنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ.» (بقره/۴۹) هنگامی که شما را از دست خاندان فرعون رهایی بخشیدیم، کسانی که بدترین عذاب را بر شما روا می‌داشتند، پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را سالم نگه نمی‌داشتند. در این رهایی، آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود.» برخی از فقها در تفسیر آیه ۱۱ سوره انفال که خداوند زوال آن از مؤمنان را به عنوان نعمت ویژه یادآوری نموده است. گفته‌اند: «منظور از (رَجَزَ الشَّيْطَانِ) عذاب و شکنجه است. (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۷)

۲. سنت نبوی

روایات معتبر، پیامبر اسلام (ص) را به صراحت از هرگونه آزار و اجبار به اقرار منع می‌کنند. در روایات اهل بیت (ع) نیز نه تنها شکنجه، بلکه هر نوع رفتار غیرانسانی و ظالمانه با انسان‌ها محکوم شده است. همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر کسی، دیگری را تازیانه‌ای بزند. خداوند نیز او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد.»^۱ (ابن بابویه، ج ۴، ص ۹۳؛ عاملی، بی تا، ج ۱۹: ۱۲) سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «مبغوض‌ترین بنده نزد خدا کسی است که - برای زدن - پشت مسلمانی را به ناحق لخت کند.» (عاملی، بی تا، ج ۱۸: ۳۳۶) پیامبر (ص) می‌فرماید خون و مال و آبروی هر مسلمانی بر دیگری حرام است. (النیشابوری، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۴، ص ۲۵۶۴) صحیح‌ه حلبی از امام صادق (ع) آورده است که پیامبر (ص) فرمودند: «سرکش‌ترین بنده بر خدا کسی است که به قتل کسی کمر بندد که قاتل او نیست و کسی را بزند که او را زنده است.» (عاملی، بی تا، ج ۱۹: ۱۲) در روایتی دیگر از انس [بن مالک] روایت شده که پیامبر خدا (صلی الله) مردی را دید که میان دو پسرش - یا میان دو مرد - در حال حرکت بود (او را گرفته بودند و می‌بردند). پیامبر فرمود: این چیست؟ گفتند: نذر کرده است که پیاده به حج برود. پیامبر فرمود: همانا خداوند عزوجل بی‌نیاز از آن است که انسان خود را عذاب دهد؛ به او دستور دهید سوار شود و قربانی کند.» (طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق: ۳۵۹) از مسمع بن عبدالملک از امام صادق علیه السلام روایت شده که شخصی را نزد امیر مؤمنان علی علیه السلام آوردند که برده خود را شکنجه کرده و کشته بود. حضرت صد ضربه به او زد تا دیگر مرتکب چنین کاری نشود و يك سال او را زندانی نمود و او را مدیون قیمت برده دانست. آن شخص قیمت برده را از جانب او صدقه داد. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۲۰۲) در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: ای گروه مردم هنگامی که بیدادگری مردی را از روی ظلم و دشمنی می‌زند یا به قتل می‌رساند و یا مظلومی را شکنجه می‌نماید در آنجا حاضر نشوید؛ زیرا یاری مؤمن بر مؤمن هنگامی که حاضر باشد واجب است. (ابن بابویه، بی تا، ج ۱: ۵۹۷) سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر کسی سرقت کند، ولی منکر شود، هنگامی که او را مضروب سازند مال دزدی را آشکار کند و تحویل بدهد، آیا باید دست او را ببرند؟ فرمود:

۱. لو أن رجلا ضرب رجلا سوطا لضربه الله سوطا من النار.

آری. اما اگر اعتراف کند و مال دزدی را آشکار نکند، نباید دست او را ببرند؛ چراکه اعتراف دزد بر اثر شکنجه صورت گرفته است. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۵۵۴) این روایات به طور مؤکد بر کرامت انسان‌ها و احترام به حقوق فردی آنان تأکید دارند و شکنجه را عملی ظالمانه و غیرمجاز در نظر می‌گیرند.

ج) قواعد و اصول فقهی

فقه‌ها و اندیشمندان اسلامی با تکیه بر اصول اخلاقی و انسانی اسلام، احسان و مواسات ارزشمند دانسته (عوض، ۲۰۱۰م: ۳۱۴) و شکنجه را مردود می‌دانند و بر حرمت مطلق آن تأکید دارند. (اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ماده ۲۰؛ القیسی، ۱۴۲۶هـ.ق: ۲۲۰) این اندیشمندان با استناد به مبانی کرامت انسانی (الغامدی، بی‌تا: ۲۳۷) و عدالت در اسلام، (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۵۸؛ الزحیلی، ۱۴۱۸هـ.ق: ۵۵، ۵۶) شکنجه را در هر شرایطی نقض آشکار حقوق بشر دانسته، (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۴۲) و شکنجه متهم را جایز ندانسته و گرفتن اقرار از طریق شکنجه را بی‌اثر می‌دانند. (القیسی، ۱۴۲۶هـ.ق: ۲۰۶) فقه‌های اسلامی نیز شکنجه را ذیل عناوینی مثل التعذیب، (کلینی، ۱۴۲۹هـ.ق، ج ۲: ۵۵۳؛ حلی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ج ۵: ۴۹۲) ایذاء (اصفهانی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۷، ص ۳۴۶) و... مطرح و در مورد شکنجه و مجازات نظرات مختلفی داشته‌اند، (معرفت، ۱۴۲۵هـ.ق: ۳۶۴؛ الفقه، جلد ۴۷، ص ۱۹۷) اما اکثریت قریب به اتفاق فقها شکنجه را به‌عنوان عملی حرام و غیرمجاز می‌شناسند. (اصفهانی، ۱۴۰۴هـ.ق، ج ۲۰: ۳۰۳؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۱هـ.ق، ج ۴: ۲۲۴، ۲۲۸) در فقه اسلامی، اعمال شکنجه که به‌منظور تحقیر یا مجازات بدون دلیل شرعی صورت گیرد، به‌شدت نهی (اصفهانی، ۱۴۰۴هـ.ق، ج ۱۲، ص ۵۶۵؛ خویی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج ۱: ۳۳) و مرتکب را مستحق مجازات دانسته شده است. (سرخسی، ۱۴۰۶هـ.ق، ج ۲۴: ۳۷) مهم‌ترین دلایل فقهی برای حرمت شکنجه شامل موارد زیر است:

مقتضای قاعده و اصل در مسائل مربوط به تصرف در تمامیت جسمانی، روانی و اموال دیگری، عدم جواز تصرف است. (موسوی خویی، ۱۴۱۸هـ.ق، ج ۶: ۱۷۱؛ حلی، ۱۴۱۵هـ.ق: ۶۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۲: ۱۱۸) فقیهان در موارد گوناگون به این اصل به‌عنوان اصالت الحرمة فی الدماء (النفوس) والاموال والفروج استناد کرده‌اند. (حسینی لنگرودی، ۱۳۸۰ ق: ۱۸۴؛ موسوی خویی، ج ۶: ۱۷۱؛ حلی، ۱۴۱۵هـ.ق: ۶۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۲: ۱۱۸) بر پایه این اصل، هرگونه تصرف، تعرض، ایذا و شکنجه ممنوع و



حرام است. (علیزاده طباطبایی، نوبهار، آیتی، ۱۳۹۷: ۱۶۶) مگر اینکه دلیل شرعی یقینی بر خروج از مقتضای اصل یافت شود.

- قاعده لا ضرر: هر عملی که موجب ضرر غیرقابل توجیه به دیگری شود، جایز نیست و شکنجه مطلقاً در این قاعده قرار می‌گیرد. (خوانساری، ۱۳۷۳ هـ. ق: ۲۲۳، ۲۲۲)
- اصل عدم ولایت اشخاص بر یکدیگر نیز ناظر به افراد نوع انسان جدا از هر خصوصیتی است. بر پایه این اصل، هیچ‌کس حق هیچ‌گونه تصرفی در شئون دیگری را ندارد، مگر اینکه جواز چنین تصرف به استناد دلایل استوار اثبات شود. پس در هر مورد که تردیدی در ولایت یا حدود آن پیدا شد، نباید آن را پذیرفت. فقها در ابواب گوناگون فقه به این اصل با تعبیر (إِنَّ الْأَصْلَ الْأَوَّلِيَّ عَدَمُ وَلَايَةِ أَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ) استناد نموده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۳۱: ۲۸۴؛ کاشف الغطاء، بی تا: ۴۵؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸ هـ. ق: ۸۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ. ق، ج ۲: ۵۲) چون شکنجه دیگران مستلزم تصرف شدید در جان و تن آنان است به استناد اصل عدم ولایت، حرام است.
- وجوب اجرای عدالت و حرمت ظلم: بر اساس آموزه‌های اسلامی خداوند بشر را به عدالت فرمان داده (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۵۸) و از ظلم بازداشته است (سوره نحل/ ۸۵؛ حدیث قدسی، به نقل از الاسلام و حقوق الانسان، ص ۷؛ محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۷۴) شکنجه به‌عنوان شدیدترین اشکال ظلم بوده و به‌طور قطعی حرام است. (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ هـ. ق، ج ۴: ۷۱۲) از آنجاکه در اسلام ظلم به دیگران مجاز نیست، شکنجه نیز از مصادیق ظلم به شمار می‌آید. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۶ هـ. ق، ج: ۴۷۲).
- حفظ کرامت انسانی: اسلام بر حفظ کرامت انسان‌ها تأکید ویژه دارد. (نهج البلاغه، ص ۴۲۸) هرگونه عمل که موجب آسیب به این کرامت شود، از جمله شکنجه، مخالف آموزه‌های اسلامی است. (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۳۳، جعفری تبریزی، ۱۴۱۹ هـ. ق: ۱۵۴، ۱۵۳) پس کرامت انسانی ایجاب می‌کند که حتی در شرایط بحرانی نیز از توسل به شکنجه اجتناب شود. این رویکرد بر مبانی اخلاقی و دینی استوار است که انسان را موجودی شایسته احترام می‌داند. (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۵۳، ۶۰؛ جعفری، ۱۳۷۰: ۳۹۸) هرگونه عمل که موجب آسیب به این کرامت شود، از جمله شکنجه، مخالف آموزه‌های اسلامی است. (فاضل موحدی لنکرانی، ج ۱: ۴۳۳، جعفری تبریزی، ۱۴۱۹ هـ. ق: ۱۵۴، ۱۵۳)

- حرمت اجبار به اقرار تحت فشار: هیچ گونه اجبار جسمی یا روانی برای اخذ اقرار مجاز نیست، فقهای اسلام در باب های مختلف فقهی؛ از جمله زنا، قتل سرقت و... با القای اثر هر نوع عملی که با اجبار و اکراه انجام می گیرد اجبار به شهادت و اقرار یا سوگند را منع و فاقد اثر قرار داده است؛ (طوسی، ۱۴۰۰ ه ق: ۶۸۹) زیرا فقه اسلامی اختیار را از مهم ترین شرایط اعتبار اقرار می دانند و براین اساس اقرارکننده باید در حال اختیار و بدون هیچ گونه اکراهی اقرار کند، وگرنه اقرار او چه در امور مدنی و چه در امور کیفری نافذ نخواهد بود. (حلی، ۱۴۱۰ ه ق ج ۳، ص: ۳۴۱) در حدیثی از علی (ع) نقل شده: کسی که در برابر زندان، ترس یا تهدید اقرار کند، بر او حد جاری نمی شود. (وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص ۱۱۱) در صورتی که متهم به سرقت یا قتل و مانند آن، برای اعتراف به حقیقت مورد ضرب و شتم قرار گیرد، اقرار در آن حال معتبر نخواهد بود. همچنین اگر اقرار پس از خاتمه شکنجه صورت گیرد و متهم می داند اگر اقرار نکند دوباره مورد ضرب و شتم قرار می گیرد، چنین اقراری مؤثر نخواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۳، ص: ۱۳۳) که این مطلب خود منع شکنجه را تقویت می کند.

- حرمت ایذاء: فقه اسلامی هرگونه آزار و رنج غیرضروری به دیگران را منع کرده است. هر انسان عاقلی به نیکویی راست گویی سودمند، و زشتی دروغ زیان بار، و نیکویی بازگرداندن امانت، و انصاف ورزی، و نجات دادن غرق شدگان حکم می کند؛ همان گونه که هر انسان عاقلی ستم، تجاوز، و آزار رساندن به حیوان بدون هیچ فایده ای را زشت و ناروا می شمارد.» (حلی، ۱۴۱۳ ه ق: ۵۴) شکی نیست ملاک حرمت هرگونه ایذاء بر فرد زنده، این است که هر فردی حرمتی دارد که مانع هر نوع تعرض به وی می شود و این که خداوند متعال، رعایت حق و حرمت او را حتی در مثل خراش و فشار و زدن واجب دانسته است. (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۰۶) باید توجه داشت که حرمت شکنجه در فقه منحصر به افراد مسلمان نیست، اهل کتاب نیز، با پرداخت جزیه، همانند مسلمانان حق حیات در دارالسلام به دست می آورند و هیچ یک از مسلمانان، حق تعرض به آنان را ندارند نمی تواند آنان را مورد ایذاء و یا ضرب و جرح قرار دهند. (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۱). ممنوعیت شکنجه در فقه محدود به انسان نیست، بلکه



د) منع شکنجه در اسناد بین‌المللی

منع شکنجه به‌عنوان یک اصل بنیادین در حقوق بین‌الملل، در اسناد مختلف بین‌المللی به‌صراحت آمده و اجرا و نظارت بر آن توسط سازوکارهای حقوقی بین‌المللی تضمین می‌شود. این اسناد شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (CAT) و پروتکل اختیاری آن هستند. حق آزادی از شکنجه از حقوق بنیادین بشر، حقی مطلق (Absolute) و غیرقابل انحراف (غیرقابل تعلیق) (Non-Derogable) است. از این جهت این حق تحت هیچ شرایطی، حتی در وضعیت‌های اضطراری عمومی یا به دستور مافوق یا حالت جنگی و تهدید خطرات عمومی تروریستی نباید مورد نقض قرار گیرد. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مربوط به شکنجه عبارت‌اند از:

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان نخستین سند جامع بین‌المللی در حوزه حقوق بشر، نقشی بنیادین در رسمی‌سازی اصل منع شکنجه در اسناد و معاهدات بین‌المللی بعدی ایفا کرده است. این سند با منع صریح شکنجه و رفتارها یا مجازات غیرانسانی و تحقیرآمیز، اعلام می‌دارد که «هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد». (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۵) از این رو، اصل منع شکنجه در اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌مثابه مبنایی اساسی برای شکل‌گیری کنوانسیون‌ها و اسناد حقوق بشری پسین تلقی می‌شود. با این حال، از انتقادهای وارد بر اعلامیه آن است که نه تعریفی از مفهوم شکنجه ارائه می‌دهد و نه ضمانت اجرای مشخص نقض آن را بیان می‌کند. البته باید توجه داشت که تدوین‌کنندگان اعلامیه، بیش از آنکه در صدد تبیین مفاهیم حقوقی دقیق و پیش‌بینی سازوکارهای اجرایی باشند، آن را سندی با کارکرد هنجارساز و واجد توصیه‌های اخلاقی می‌دانستند. با وجود این، نمی‌توان تأثیر عمیق و نقش تعیین‌کننده این اعلامیه را در تدوین و توسعه اسناد و معاهدات بین‌المللی بعدی نادیده گرفت؛ چراکه این سند به‌طور جدی بر وجدان بیدار جامعه جهانی اثر گذاشته و زمینه‌ساز ارتقای گفتمان منع شکنجه در حقوق بین‌الملل شده است. (جانسون، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

۲. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۷ به‌طور صریح و قاطع، شکنجه و رفتارها یا مجازات غیرانسانی و تحقیرآمیز را ممنوع کرده و مقرر می‌دارد که «هیچ‌کس نباید تحت شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد». این حکم، به‌ویژه در حوزه



عدالت کیفری و در راستای پیشگیری از اعمال شکنجه در فرایند تحقیقات و دادرسی، نقشی اساسی و تعیین کننده دارد. به منظور تضمین اجرای مفاد میثاق و نظارت بر گزارش ها و عملکرد دولت های عضو، کمیته حقوق بشر بر اساس این کنوانسیون تأسیس شده است. این کمیته پس از دریافت و بررسی گزارش های ادواری دولت ها، در صورت احراز نقض حقوق بشر از سوی هر یک از دولت های عضو، موظف است موضوع را در گزارش سالانه خود منعکس کرده و آن را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح سازد. (کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲۸، ۴۰) نکته قابل توجه دیگر در باره این میثاق، غیر قابل تعلیق بودن برخی از حقوق مندرج در آن، از جمله ممنوعیت شکنجه است. (کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۴). براین اساس، منع شکنجه در هیچ شرایطی، حتی در وضعیت های بحرانی، اضطراری یا جنگی، قابل نادیده گرفتن نیست. به بیان دیگر، اعمال وضعیت فوق العاده یا تهدیدات امنیتی نمی تواند توجیه برای توسل به شکنجه، حتی با ادعای حفظ نظم یا امنیت عمومی، تلقی شود. در این زمینه، هیچ یک از مقامات دولتی مجاز نیستند شرایط استثنایی را مستند به کارگیری شکنجه قرار دهند، زیرا میثاق هیچ گونه علت مخففه یا توجیه کننده ای برای این رفتار پیش بینی نکرده است.

۳. اساسنامه دیوان بین المللی کیفری که در سیزده فصل و ۱۲۸ ماده تنظیم شده است، شکنجه را در زمره جنایات علیه بشریت قرار داده و در برخی شرایط، آن را قابل انطباق با عنوان جنایت نسل کشی نیز می داند. (اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، بندب ماده ۶) بر اساس قسمت «هـ» بند ۲ ماده ۷ اساسنامه، «شکنجه» به معنای وارد آوردن عامدانه درد یا رنج شدید، اعم از جسمی یا روانی، بر شخصی است که در بازداشت به سر می برد یا تحت کنترل قرار دارد؛ با این قید که درد یا رنجی که صرفاً ناشی از اجرای مجازات قانونی باشد، یا به طور ذاتی یا تبعی از این مجازات حاصل شود، از شمول مفهوم شکنجه خارج است.

بررسی تعریف ارائه شده در اساسنامه نشان می دهد که این سند، برخلاف برخی اسناد بین المللی، هدف از اعمال شکنجه — مانند اخذ اقرار، سوگند یا شهادت — را عنصر تعیین کننده ندانسته و به آن تصریح نکرده است. افزون براین، اساسنامه میان مأموران دولتی و اشخاص غیردولتی تفکیکی قائل نشده و به طور ضمنی امکان ارتکاب شکنجه توسط افراد عادی را نیز به رسمیت شناخته است. این رویکرد را می توان ناشی از آن دانست که اساسنامه، شکنجه را در چارچوب «حمله ای گسترده یا سازمان یافته علیه جمعیت غیرنظامی» و در

راستای پیشبرد اهداف خاص تلقی می‌کند؛ حمله‌ای که ممکن است توسط مأموران یا نیروهای دولتی یا حتی اشخاص غیردولتی ارتکاب یابد. همچنین در اساسنامه، شکنجه مفهومی مستقل از مجازات شدید بدنی تلقی شده است؛ درحالی‌که برخی اسناد و معاهدات بین‌المللی در این زمینه دیدگاه متفاوتی ارائه کرده‌اند. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای طرح و تعقیب موارد مربوط به شکنجه، سازوکارهایی را پیش‌بینی کرده است که می‌توان آنها را در زمره تضمینات اجرایی این سند دانست. این سازوکارها عبارت‌اند از: نخست، دولت‌های عضو دیوان که می‌توانند وضعیت‌هایی را که به نظر می‌رسد در آنها جنایتی ارتکاب یافته است، صرف‌نظر از تابعیت مرتکب یا محل وقوع جرم، به دادستان دیوان ارجاع دهند؛ وضعیتی که می‌تواند مبنای آغاز تحقیقات دادستان قرار گیرد. دوم، شورای امنیت سازمان ملل متحد که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، اختیار دارد وضعیت یا موقعیت خاصی را برای رسیدگی به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع کند. سوم، خود دیوان نیز این اختیار را دارد که رأساً و بدون ارجاع دولت‌های عضو یا شورای امنیت، وضعیت خاصی را به دادستان ارجاع دهد تا فرآیند تحقیق و تعقیب آغاز شود. (ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری)

۴. **کنوانسیون منع شکنجه** را می‌توان مهم‌ترین و الزام‌آورترین سند بین‌المللی در تضمین منع شکنجه به شمار آورد. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۳۳ ماده است که در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴، به موجب قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در ژوئن سال بعد لازم‌الاجرا شد. (آشوری، ۱۳۸۴: ۴۱) کنوانسیون منع شکنجه، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که شکنجه را در نظام حقوقی داخلی خود جرم‌انگاری کرده، (کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۴) تدابیر پیشگیرانه لازم را برای جلوگیری از ارتکاب آن اتخاذ نمایند (کنوانسیون منع شکنجه، بند ۱ ماده ۲) و هیچ‌گونه شرایط استثنایی را مجوز اعمال شکنجه تلقی نکنند. (کنوانسیون منع شکنجه، بند ۲ ماده ۲) افزون بر این، دولت‌ها موظف‌اند در صورت وجود خطر شکنجه، از استرداد یا اخراج متهم خودداری کرده، (کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۳) در صورت وقوع شکنجه، مرتکبان را تحت تعقیب کیفری قرار دهند (کنوانسیون منع شکنجه، مواد ۶، ۷، ۵) و اظهارات و ادله حاصل از شکنجه را فاقد اعتبار قضایی بدانند. (کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱۵) بر اساس مواد ۶ و ۷ کنوانسیون، جرم شکنجه افزون بر جنبه داخلی، دارای وصف بین‌المللی نیز هست و در زمره «جرائم بین‌المللی قراردادی (Treaty International Crimes) قرار می‌گیرد. این ویژگی به محاکم داخلی دولت‌ها اجازه می‌دهد در صورت





دستگیری متهم به شکنجه در قلمرو هر کشوری، وی را محاکمه کرده یا به کشور ذی نفع مسترد نمایند. از همین رو، شکنجه را می‌توان ازجمله جرائم بین‌المللی ذاتی (Core International Crimes) دانست (حیدری پوری، میر عباسی، عسگر خانی، ۱۳۹۹: ۱۶۶) که از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل برخوردار است. بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون، شکنجه را به‌عنوان هر فعل عمدی که متضمن ایراد درد، رنج یا صدمه شدید جسمی یا روانی باشد، تعریف می‌کند. براین اساس، صرف وارد آوردن درد یا رنج، بدون تحقق عنصر «شدت»، برای اطلاق عنوان شکنجه کافی نیست؛ بلکه شدت عمل، عنصر مادی اصلی این جرم را تشکیل می‌دهد. بنابراین، آنچه رفتار ارتكابی را در زمره شکنجه قرار می‌دهد، شدت درد و رنج تحمیل شده است، نه صرف ماهیت آزاردهنده آن. نکته قابل توجه دیگر آن است که کنوانسیون، ارتكاب شکنجه را منحصرأً به اعمال مأموران رسمی دولت یا اشخاصی که به‌نوعی در مقام اعمال قدرت حاکمیتی هستند، منتسب می‌سازد و اعمال افراد عادی غیر وابسته به دولت را، به‌خودی‌خود، در شمول تعریف شکنجه قرار نمی‌دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که کنوانسیون اساساً ناظر بر شکنجه‌های دولتی و رسمی است، نه رفتارهای خشونت‌آمیز اشخاص خصوصی؛ امری که در برخی نظام‌های حقوقی داخلی، از جمله در مواردی در حقوق ایران، قابل مشاهده است. افزون بر عنصر دولتی بودن مرتکب، کنوانسیون وجود قصد و انگیزه خاص را نیز برای تحقق شکنجه ضروری می‌داند. به‌بیان دیگر، قصد درونی مرتکب باید معطوف به اهدافی نظیر کسب اطلاعات، اخذ اقرار یا اعمال فشار بر قربانی یا شخص ثالث باشد. در همین راستا، ماده ۱ کنوانسیون تصریح می‌کند که شکنجه شامل هر فعل عمدی است که به‌واسطه آن درد یا رنج شدید، به‌منظور اهدافی از قبیل کسب اطلاعات یا اقرار، بر قربانی تحمیل شود. مواد ۶ و ۷ کنوانسیون، همان‌گونه که اشاره شد، بر جنبه بین‌المللی جرم شکنجه تأکید دارند و اصل «محاکمه یا استرداد» را در این خصوص تثبیت می‌کنند. افزون براین، مطابق ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در صورت تحقق شرایط مقرر، شکنجه می‌تواند در زمره «جنایت علیه بشریت» قرار گیرد و چنانچه در بستر مخاصمات مسلحانه ارتكاب یابد، عنوان «جنایت جنگی» بر آن صدق خواهد کرد. ماده ۱۰ کنوانسیون، دولت‌های عضو را مکلف می‌سازد که آموزش‌های لازم را برای مأموران اجرای قانون، به‌ویژه ضابطان قضایی و افرادی که مسئول بازداشت و بازجویی از متهمان هستند، پیش‌بینی کنند. همچنین ماده ۱۱ دولت‌ها را متعهد می‌نماید که به‌صورت مستمر قوانین، مقررات، رویه‌ها و شیوه‌های مربوط به بازداشت، بازجویی و نگهداری متهمان و محکومان را

مورد بازبینی و ارزیابی قرار دهند. به موجب این ماده، هر دولت عضو موظف است به منظور پیشگیری از هرگونه شکنجه، قواعد و روش‌های ناظر بر رفتار با افرادی را که به اشکال مختلف تحت نظر، بازداشت یا زندانی می‌شوند، به طور منظم مورد تجدیدنظر قرار دهد. کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ افزون بر موارد یادشده، تعهدات دیگری نیز برای دولت‌های عضو ایجاد می‌کند که از جمله آنها می‌توان به جرم‌انگاری سایر اشکال رفتارهای ناقض کرامت انسانی اشاره کرد. در همین راستا، ماده ۱۶ کنوانسیون اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا دولت‌ها را موظف می‌سازد که در قلمرو خود از ارتکاب رفتارها یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز که مشمول تعریف شکنجه در ماده ۱ نیستند نیز جلوگیری کرده و قواعد مربوط به منع شکنجه را، حسب مورد، در قبال آنها اعمال نمایند. افزون بر این، دولت‌های عضو حق ندارند افرادی را که در معرض خطر شکنجه قرار دارند به کشور دیگری مسترد یا اخراج کنند و همچنین مجاز به اعطای عفو یا بخشودگی به عاملان شکنجه نیستند. (کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۲)

۵. پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه باهدف تقویت سازوکارهای پیشگیرانه، نهادهای مستقل نظارتی را برای بازدید و ارزیابی شرایط بازداشتگاه‌ها و نظارت بر رعایت حقوق اشخاص بازداشت‌شده ایجاد می‌کند. در مقدمه پروتکل، شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به عنوان نقض شدید حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در این سند، از تشکیل «کمیته پیشگیری از شکنجه» یادشده و وظایف و اختیارات آن به تفصیل تبیین شده است. (سرآمد، پژمان، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

علاوه بر اسناد فوق، منع شکنجه به عنوان قاعده عرفی بین‌المللی نیز در مخاصمات مسلحانه پذیرفته شده است (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۸۲) و نتیجه اینکه حق آزادی از شکنجه تحت هیچ شرایطی، حتی در وضعیت‌های اضطراری عمومی یا به دستور مافوق یا حالت جنگی و تهدید خطرات عمومی تروریستی نباید مورد نقض قرار گیرد؛ (کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۲؛) امروزه شکنجه فقط یک جرم عادی نیست، (پور بافرانی، رحیمی، ۱۳۹۵: ۵۷) بلکه مستند به کنوانسیون منع شکنجه یک جرم قراردادی یا معاهده‌ای بین‌المللی و مستند به مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در شرایط خاصی یک جرم بین‌المللی مهم یا ذاتی است. (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مواد ۷ و ۸). زیرا، منع مطلق شکنجه در حقوق بین‌الملل به عنوان یک قاعده آمره تثبیت گردیده و تبعیت از آن برای همه‌ی دولت‌ها الزامی است. (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۷۸؛ پور بافرانی، رحیمی، ۱۳۹۵: ۴۷، ۴۸) دولت‌ها موظف به ایجاد مکانیسم‌های نظارتی و قضائی (





میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲، ۳؛ کنوانسیون منع شکنجه، مواد ۲، ۳) در قوانین داخلی جهت منع شکنجه و جلوگیری از آن هستند. این گونه ممنوعیت قانونی شکنجه خط بطلانی است بر تمام موارد دیرینه‌ای که شکنجه را در کار خود لحاظ می‌کند. (فاگان، ۱۳۹۳: ۳۳).

ه) تحلیل تطبیقی

تحلیل تطبیقی میان فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی، ممنوعیت شکنجه را به عنوان یک اصل بنیادین و غیرقابل نقض پذیرفته‌اند، اگرچه از منظر روش‌شناسی و قلمرو اجرا تفاوت‌هایی وجود دارد.

۱. نقاط اشتراک

از بررسی فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی، روشن شد که این دو مجموعه مهم، در اصل منع شکنجه هم‌داستان بوده و کرامت انسانی و حق آزادی فرد را محور قرار داده و شکنجه را به طور مطلق ممنوع می‌دانند. همان گونه در تعریف شکنجه نیز دیدگاه مشترک دارند. هر دو نظام، به اهمیت اجرای عدالت بدون اعمال فشار یا آزار توجه دارند و شکنجه را با اهداف قانونی یا کیفری توجیه‌ناپذیر می‌دانند. در عین اینکه هر دو نظام اجبار به اقرار تحت فشار یا شکنجه را منع و بر بی‌اعتباری اقرار حاصل از شکنجه تصریح کرده‌اند. حق شکایت مجنی علیه و جبران خسارات ناشی از شکنجه از موارد اتفاق هر دو مجموعه در این زمینه است.

۲. تفاوت‌ها

با وجود نقاط مشترک فراوان میان دیدگاه‌های فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی در مورد منع شکنجه، برخی تفاوت‌ها و چالش‌های نیز در این زمینه وجود دارد، بر اساس تحلیل صورت گرفته از هر دو مجموعه در زمینه‌ی منع شکنجه، ابتدا مهم‌ترین تفاوت‌ها و در ادامه چالش‌های موجود قرار ذیل است:

تفاوت در روش اجرا و اثبات: در فقه اسلامی، منع شکنجه بیشتر از طریق اصول اخلاقی، قواعد فقهی و سنت عملی فقها اعمال می‌شود، در حالی که در حقوق بین‌الملل، سازوکارهای رسمی نظارتی و قضایی و بازرسی مستقل پیش‌بینی شده است.

تفاوت در قلمرو و شکل اجرا: اسناد بین‌المللی، علاوه بر دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی را نیز در نظارت بر اجرای منع شکنجه دخیل کرده‌اند، در حالی که فقه اسلامی بیشتر بر وظیفه حاکم و مجریان داخلی تأکید دارد.

تفاوت در پیشگیری و مجازات مرتکبین، در فقه اسلامی از طریق قواعد کلی مانند حرمت ایداء و لا ضرر، و در اسناد بین‌المللی از طریق سازوکارهای قضایی و نظارتی، تضمین شده است.

نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی نشان داد که فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی، با وجود تفاوت در زبان، ساختار و سازوکارهای حقوقی، در اصل منع شکنجه هم‌داستان‌اند. در فقه اسلامی، این ممنوعیت بر پایه اصولی چون حرمت ایداء، رعایت کرامت ذاتی انسان، نفی ضرر، و لزوم عدل و احسان استوار است؛ در حالی که در نظام بین‌المللی، منع شکنجه به‌عنوان قاعده‌ای آمره و غیرقابل تعلیق تثبیت شده است.

تفاوت‌های موجود عمدتاً در قلمرو مصادیق، طرق اثبات و سازوکارهای نظارتی مشاهده می‌شود، اما این اختلافات ناظر به شیوه اجراست، نه به مبنای ارزشی و هنجاری. براین اساس، می‌توان گفت که فقه اسلامی با پشتوانه اخلاقی و الهی خود، ظرفیت تکمیل و تقویت تعهدات بین‌المللی در حوزه منع شکنجه را دارد؛ و در مقابل، دستاوردهای حقوق بین‌الملل می‌تواند در ارتقای روشمندی و کارآمدی برداشت‌های فقهی مؤثر باشد. این هم‌افزایی نشان می‌دهد که منع شکنجه یک اصل فرا دینی و فراملی است که در هر دو نظام، به‌منظور پاسداشت کرامت انسان، واجد پشتوانه‌ای مشترک و استوار است.



منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، مصحح و مقدمه نویسنده: علی اکبر غفاری، قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (بی تا)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (ترجمه غفاری)، تهران، کتابفروشی صدوق.
۳. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۸). مفهوم شکنجه در اعلامیه جهانی حقوق بشر، چاپ شده در کتاب حقوق بشر در جهان معاصر (دغدغه ها و دیدگاه های حقوق دانان و فقهای ایرانی)، تهران، انتشارات کمیسیون حقوق بشر اسلامی.
۴. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (ICC)، مصوب ۱۹۹۸م.
۵. اصفهانی، سید عبدالله، یوسفی خاطره، مطالعه تطبیقی کرامت انسان از منظر سیره رضوی و مبانی اومانیسم، فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۷.
۶. اصفهانی، محمدباقر بن محمدتقی (مجلسی دوم)، (۱۴۰۴هـ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
۷. اصفهانی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۶۲)، حدود و قصاص و دیات (مجلسی)، تهران، مؤسسه نشر آثار اسلامی، چاپ اول.
۸. اصفهانی، محمدتقی، (۱۴۱۴هـ ق)، لوامع صاحبقرانی، ج ۷، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
۹. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دسامبر ۱۹۴۸.
۱۰. آشوری، محمد، (۱۳۸۴)، آئین دادرسی کیفری، چاپ نهم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۱. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. (۱۴۱۳هـ ق) المقنعة (للشیخ المفید)، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه، قم - ایران، چاپ اول.
۱۲. بنیاد دایرة المعارف اسلامی، (۱۳۷۵)، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۷، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۳. بهجت فومنی گیلانی، محمدتقی، (۱۴۲۶هـ ق)، جامع المسائل (بهجت)، ج ۲، قم، دفتر معظم له، چاپ دوم.



۱۴. پروتکل اختیاری کنوانسیون ضد شکنجه و سایر مجازات یا رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیر آمیز مصوب ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲ م.
۱۵. پور بافرانی، حسن، رحیمی، رئوف، (۱۳۹۵) مطالعه تطبیقی جرم شکنجه در حقوق ایران و کنوانسیون منع شکنجه، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره نود و سوم، بهار ۱۳۹۵.
۱۶. جانسون، گلن، (۱۳۷۷)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه: محمدجعفر، پوینده، انتشارات نی، تهران.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط ترمینولوژی حقوق، جلد ۳، انتشارات گنج دانش، تهران.
۱۸. جعفری، محمد تقی، (۱۳۹۲)، حقوق جهانی بشر و کاوشهای فقهی، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۹. جعفری تبریزی، محمدتقی، (۱۴۱۹ ه.ق)، رسائل فقهی (علامه جعفری)، چاپ اول، تهران، مؤسسه منشورات کرامت.
۲۰. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، (۱۴۲۶ ه.ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۲۲. جمعی از مؤلفان، (۱۳۷۴)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۱، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، اول.
۲۳. حائری یزدی، مرتضی، (۱۴۱۸ ه.ق)، کتاب الخمس، قم: دفتر انتشارات اسلامی،
۲۴. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۱ ه.ق)، ولایت فقیه در حکومت اسلام، ج ۴، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ دوم.
۲۵. حسینی لنگرودی، سیدمرتضی، (۱۳۸۰ ق)، الرسائل الثلاث، قم: اسلام.
۲۶. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ ه.ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، دوم.
۲۷. حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، (۱۴۰۷ ه.ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۵، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول.
۲۸. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ ه.ق)، الرسالة السعدیة، دارالصفوة، بیروت.
۲۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۵ ق)، بحوث فقهیه، قم، المنار.





۳۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۲۰ هـ ق)، تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديث)، قم؛ مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۳۱. حیدری پوری، مریم، میر عباسی، سیدباقر، عسگرخانی، ابو محمد، بررسی ضمانت‌های منع شکنجه در اسناد حقوق بین الملل بشر و قوانین و مقررات ایران، پژوهشنامه ی حقوق تطبیقی، دوره چهارم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۳۲. حیم، سلیمان، (۱۳۶۸)، فرهنگ کوچک حیم (انگلیسی-فارسی)، چاپ یازدهم، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
۳۳. خوانساری، شیخ موسی، (۱۳۷۳ هـ ق)، منية الطالب في حاشية المكاسب، شارح: محمدحسین نائینی، نویسنده: مرتضی بن محمدامین انصاری، تهران، المکتبه المحمديه.
۳۴. خوبی، سیدابوالقاسم، (۱۴۰۷ هـ ق)، مصباح الفقاهه، ج ۱، قم: نشر لطفی و دارالهادی،
۳۵. الزحیلی، محمد، (۱۴۱۸ هـ ق). حقوق الانسان فی الاسلام، الطبعة الثانية، دمشق، دارالکلم الطیب.
۳۶. زنجانی، عباس علی عمید، (۱۴۲۱ هـ ق)، فقه سیاسی (عمید)، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران، چهارم،
۳۷. سرآمد محمد حسین، پژمان، اسدالله، (۱۳۹۵)، آموزش حقوق بشر، کابل، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
۳۸. سرخسی، شمس الدین، (۱۴۰۶ هـ ق)، المبسوط، ج ۲۴، بیروت، دارالمعرفه.
۳۹. شعرانی، ابوالحسن، (۴۱۹ هـ ق)، تبصرة المتعلمين في أحكام الدين ترجمه و شرح، تهران، منشورات اسلامیة، چاپ پنجم،
۴۰. طباطبایی بروجرى، آقا حسین، (۱۴۲۹ هـ ق)، منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی صبورى، ج ۳۱، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۴۱. طبسی، نجم الدین، (۱۳۸۷). حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام، مترجمان: محمدعلی ابهری، بوذر دیلمی معزی، هادی رمضانی، قم، بوستان کتاب، اول.
۴۲. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ق. هـ). الأمالي (للشيخ الطوسي)، دار الثقافة، قم ، اول، ق.
۴۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ هـ ق)، المبسوط في فقه الإمامية، ج ۸، المکتبه المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، سوم.
۴۴. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ هـ ق)، النهایة في مجرد الفقه و الفتاوى، بیروت، دار الکتاب العربی، دوم.

۴۵. عاملی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، وسایل الشیعه، جلد ۱۹، ۱۸، بیروت، داراحیاء التراث العربی،
۴۶. عبدالقادر عوده، [بی‌تا.]، التشریع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، قاهره، دارالتراث.
۴۷. علیزاده طباطبایی، سیدحسین، نوبهار، رحیم، آیتی، سیدمحمد رضا، ۱۳۹۷، ممنوعیت مطلق شکنجه: چشم اندازی اسلامی، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۸۱، اردیبهشت.
۴۸. عمید، حسن، (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۹. عوض، احمد عبده، (۲۰۱۰م)، حقوق الانسان بین الاسلام والغرب، چاپ اول، الجیزه، ألفا للنشر والتوزيع.
۵۰. الغامدی، عبداللطیف بن سعید، (بی‌تا)، حقوق بشر در اسلام، بی‌جا، عقیده.
۵۱. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، (۱۳۸۴)، کنز العرفان فی فقه القرآن (ترجمه)، ج ۱، ترجمه و تصحیح: عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام.
۵۲. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۳۸۳)، جامع المسائل (فاضل)، ج ۱، قم، انتشارات امیر قلم، چاپ یازدهم،
۵۳. فاگان، اندرو، (۱۳۹۳)، اطلس حقوق بشر، مترجم: امید کوکی و مهدی خدایی، انتشارات آرمانشهر،
۵۴. القیسی، مروان إبراهیم، موسوعة حقوق الإنسان فی الإسلام، نشر دیجیتال: www.pdfactory.com ۱۴۲۶ هـ.ق.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، متن و ترجمه کتاب نفیس فروع کافی، مترجم: محمدحسین رحیمیان، قم، قدس.
۵۶. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۶۶م.
۵۷. کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز؛ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۸۴م.
۵۸. کاشف الغطاء، عباس بن حسن بن جعفر نجفی، (بی‌تا)، الفوائد الجعفریه، قم، مؤسسه کاشف الغطاء.
۵۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ هـ ق)، الکافی (ط - دار الحديث)، قم، دار الحديث للطباعة والنشر، چاپ اول.





۶۰. مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه: غلام‌رضا محمد نسل، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۵.
۶۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳)، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۶۲. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۸)، مبانی نظری حقوق بشر در اسلام، در کتاب حقوق بشر در جهان معاصر (دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای ایرانی)، تهران، انتشارات کمیسیون حقوق بشر اسلامی.
۶۳. مستفیضی، سروناز، بالوی، مهدی، (۱۳۹۷)، حق مرگ در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴۸، شماره ۱، فروردین ۱۳۹۷، ص ۸۵-۱۰۳.
۶۴. معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۵هـ.ق)، تعلیق و تحقیق عن أمهات مسائل القضاء، قم، مهر.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴هـ.ق)، کتاب النکاح، ج ۲، قم: مدرسه امام علی (ع).
۶۶. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۴۱۵هـ.ق). أنوار الهدایه، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸هـ.ق)، فقه الشیعه: کتاب الطهاره، جلد ۶، قم: آفاق.
۶۸. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۷۷)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، انتشارات جنگل.
۶۹. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴هـ.ق)، جواهر الکلام، ج ۳۱، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۷۰. النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری، (۱۴۱۲هـ.ق)، صحیح مسلم، ج ۴، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.